

Analysis of the Connection Between Formal Components and Semantic Purposes in Surah Al-Zalzalah

(Based on the Concept of "Form of Meaning" and "Meaning of Meaning" in Jurjani's Theory of Nazm)

Hosseinali Ghobadi¹

Seyed Saeid Ahmadpour Moghaddam²

Maryam Ghobadi³

Saeid Bozorg Bigdeli⁴

1.Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: hghobadi@modares.ac.ir/ <https://orcid.org/0009-0001-0383-871X>

2.Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: saeid.ahmadpour@modares.ac.ir/

<https://orcid.org/0009-0008-9850-1327>

3.Assistant Professor, Quranic Studies Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: ghobadi@ihcs.ac.ir

4.Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran .Email: bozorghs@modares.ac.ir

*Scientific
article*

Received:
29/05/2024

Accepted:
07/09/2024

Abstract: This article aims to analyze the verbal aspect of the miraculous nature of the Quran by examining the harmony between semantic purposes and formal components in a portion of the Quranic text. For this purpose, Surah Al-Zalzalah, with its linguistic and rhetorical capacities, is examined as an example of this miraculous nature. The theory of "Nazm" (coherence), due to its comprehensiveness in analyzing the formal elements of speech, forms the theoretical framework of the article. In this theory, Jurjani, by analyzing the function of formal components (syntactic, rhetorical, and lexical arrangement elements, etc.) in achieving the semantic purposes of a text, demonstrates the harmony of Quranic words with their meanings and provides evidence for the miraculous nature of the Quran. The research process is as follows: first, the various layers of meaning in each verse are explained using various Quranic interpretations to reveal the semantic purposes; then, the various formal techniques used in the verse—or in the overall structure of the surah—to achieve those semantic purposes are examined. The results of this analysis show that the various formal components of this surah are in complete harmony and have a coherent connection with its core meanings and content purposes. The innovation of this research lies in the fact that, to analyze the mentioned harmony and connection, it does not rely solely on the translation and apparent meaning of the verses. Instead, by referring to multiple interpretations, the various layers of meaning in each verse are explained as much as possible, and the role of formal components in creating each of these various semantic implications (in Jurjani's terms, "meaning of meaning") is analyzed.

Keywords: Al-Zalzalah, Jurjani, Theory of Nazm, Meaning of Meaning, Form of Meaning

DOI: 10.22051/TQH.2024.47338.4200

تحلیل پیوند میان مؤلفه‌های صوری و اغراض معنایی، در سوره مبارکه زلزال (بر مبنای مفهوم صورت‌المعنی و معنی‌المعنی در نظریه نظم جرجانی)

سید سعید احمدپور مقدم^۲حسینعلی قبادی^۱سعید بزرگ بیگدلی^۴مریم قبادی^۳

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<https://orcid.org/0009-0001-0383-871X> hghobadi@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0009-0008-9850-1327> saeid.ahmadpour@modares.ac.ir

۳. استادیار پژوهشکده مطالعات علوم قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

ghobadi@ihcs.ac.ir۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. bozorghs@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

صص:

۸۷-۱۱۰

مقاله:

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۳-۰۹

پذیرش:

۱۴۰۳-۰۶-۱۷

مقاله حاضر به منظور تحلیل اعجاز کلامی قرآن، به سنجش هماهنگی میان اغراض معنایی و مؤلفه‌های صوری در بخشی از متن قرآن کریم می‌پردازد. بدین منظور، سوره مبارکه زلزال، با توجه به ظرفیت‌های زبانی و بلاغی آن، به عنوان نمونه‌ای از این اعجاز کلامی بررسی می‌شود. نظریه «نظم»، به دلیل جامعیت در تحلیل عناصر صوری کلام، چهارچوب نظری مقاله را تشکیل می‌دهد. جرجانی در این نظریه، با تحلیل کارکرد مؤلفه‌های صوری (عناصر نحوی، بدیع و بیان، چیدمان لغات و...) در حصول اغراض معنایی یک متن، ضمن نشان دادن حسن اتساق الفاظ قرآن با توجه به معانی آن‌ها، دلایلی بر اعجاز قرآن اقامه می‌کند. فرآیند پژوهش این گونه است که ابتدا به مدد تفسیرهای گوناگون قرآن کریم، لایه‌های مختلف معنایی هر آیه تشریح شده تا اغراض معنایی آشکار شود؛ سپس تمهیدات صوری مختلف بررسی شده است که جهت ظهور اهداف معنایی در آیه مذکور - یا در ساختار کلی سوره - به کار رفته‌اند. نتایج این سنجش، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های صوری مختلف این سوره، هماهنگی کامل و پیوند منسجمی با معانی محوری و اغراض محتوایی آن دارند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که برای تحلیل هماهنگی و پیوند مذکور، تنها به ترجمه و معنای ظاهری آیات اکتفا نمی‌شود. بلکه با استناد به تفاسیر متعدد، لایه‌های مختلف معنایی هر آیه تا حد امکان تبیین و نقش مؤلفه‌های صوری در خلق هر کدام از این دلالت‌های گوناگون معنایی (به تعبیر جرجانی، معنی‌المعنی) تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: زلزال، جرجانی، نظریه نظم، معنی‌المعنی، صورت‌المعنی.

استناد: رضوان، هادی؛ زرین‌پور، داوود (۱۳۹۲). بررسی زیبایی‌شناسی مقابله و فاصله در سوره الزحمن. تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ۱۰(۱)، صص ۵۷-۷۴. DOI: 10.22051/tqh.2014.900

DOI: [10.22051/tqh.2024.47338.4200](https://doi.org/10.22051/tqh.2024.47338.4200)

ناشر: دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۱. بیان مسئله

مسئله مقاله حاضر، سنجش اعجاز کلامی قرآن کریم، از منظور پیوند مؤلفه‌های صوری با اغراض معنایی است. به تعبیری دیگر، اثبات اینکه نوعی حسن‌اتساق کلمات و تمهیدات صوری، در قرآن وجود دارد که بنیان تأویل‌پذیری شگرف و معانی چندلایه نهفته در آن است. بدین منظور، سوره مبارکه زلزال، با توجه به ظرفیت‌های صوری و محتوایی آن، به‌عنوان نمونه‌ای از متن قرآن انتخاب شد. مبنای نظری این تحلیل، نظریه نظم جرجانی با تأکید بر دو مفهوم "صورت‌المعنی" و "معنی‌المعنی" است. مطابق آنچه در بخش نتایج شرح داده خواهد شد، در این سوره چیدمان اجزای کلام و ارتباط میان آن‌ها، در پیوند و هماهنگی کامل با اغراض معنایی و مفاهیم محوری است و صورت و معنا از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. این را می‌توان جنبه‌ای از اعجاز کلامی قرآن کریم دانست.

۲. چهارچوب نظری و روش تحقیق

مقاله حاضر، نیازمند یک چهارچوب نظری است که جنبه‌های گوناگون لغوی، نحوی، بلاغی و... در آن لحاظ شود.

۲-۱. نظریه نظم جرجانی (اصطلاحات "معنی‌المعنی" و "صورت‌المعنی")

جرجانی، در تدوین نظریه نظم، به ارتباط چیدمان اجزای کلام با اغراض معنایی آن می‌پردازد. او بر این اعتقاد است که نظم یعنی قسمتی از کلام به قسمت دیگر ارتباط پیدا کند و جزئی به جزء دیگر متکی شود و کلمه‌ای سبب برای کلمه دیگر قرار گیرد (جرجانی، ۱۳۶۸، ص ۷۹). جرجانی می‌گوید:

«هیچ نظمی در کلام وجود ندارد، مگر وقتی که در آن کلام قصد و هدفی متوجه به صورت و صنعتی باشد؛ به‌طوری که اگر کلمه‌ای که مقدم ذکر شده است، مقدم ذکر نکنند و آن را که مؤخر آمده، مؤخر نیاورند... آن صورت و صنعت منظور برای ما حاصل نشود» (همان، ص ۳۲۴).

در نظریه نظم، دو اصطلاح مبتکرانه وضع می‌کند: «صورت‌المعنی» و «معنی‌المعنی». صورت‌المعنی، مجموعه اجزای صوری کلام (شامل: گزینش کلمات، روابط نحوی، جنبه‌های بلاغی و...) و مناسبات میان آن‌ها و به تعبیر دیگر شبکه‌ای

مبتنی بر روابط درونی و برهم‌کنش عناصر آفریده‌شده در متن است. معنی المعنی، دریافت‌ها و دلالت‌های ثانویه‌ای است که از تأمل در الفاظ و ارتباط‌های پیدا و پنهان آن‌ها در یک متن فهمیده می‌شود. «عبدالقاهر، دلالت اصلی کلام را معنی و دلالت بیانی و فرعی را معنی معنی نامیده بود» (ضیف، ۱۳۹۷، ص ۳۶۶).

۲-۲. روش تحلیل و سنجش فرضیه

پس از ذکر هر آیه و معنای آن، در بخشی تحت‌عنوان «معنی المعنی در آینه تفاسیر»، وجوه گوناگون معنایی ذکر می‌شود که در تفاسیر مختلف آن آیه، محل توجه بوده است. سپس در بخش دیگری با عنوان «مؤلفه‌های صورت‌المعنی»، مجموعه تمهیدات لغوی، ادبی، نحوی، بلاغی و... بررسی و نقش آن‌ها در خلق لایه‌های معنایی تحلیل می‌شود. این بخش، در پی سنجیدن شیوه قرارگیری اجزای کلام (صورت‌المعنی) با توجه به اغراض متن (معنی المعنی)، یا به تعبیر جرجانی «نظم» در کلام است.

۳. پیشینه پژوهش

تحلیل بخش‌هایی از قرآن کریم با نظریه نظم، موضوع تحقیقات ارزشمندی بوده و درباره ویژگی‌های مختلف سوره زلزال نیز پژوهش‌های ارزنده‌ای موجود است. برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. «تناسب ساختار با محتوا با توجه به دو نظریه نظم و آشنایی‌زدایی به محوریت سوره مبارکه لیل»، اثر حسین مقیاسی و همکاران (۱۳۹۵)؛ ۲. «مهندسی زبانی سوره توحید از دیدگاه نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی»، نگاشته احمد عارفی و همکاران (۱۴۰۲)؛ ۳. «نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی و واکاوی آن در سوره مبارکه مریم»، اثر اسماعیل یارمحمدی و همکاران (۱۳۹۸)؛ ۴. «بررسی زیبایی‌شناسی جزء ۳۰ قرآن کریم بر اساس نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی»، نوشته حسین گلی (۱۳۹۵)؛ ۵. «عوامل انسجام در سوره زلزال (براساس نظریه هالیدی و حسن)»، نگارش احمد پاشا زانوس و همکاران (۱۳۹۶)؛ ۶. «انسجام متنی در ترجمه بهرام‌پور از قرآن کریم (مطالعه موردی: ترجمه سوره زلزال)»، اثر محمدحسن موسوی فخر.

تفاوت پژوهش حاضر هم در موضوع آن یعنی تحلیل سوره مبارکه زلزال با آرای جرجانی است و هم در توجه به تفاسیر مختلف به مثابه مجموعه متنوعی از مؤلفه‌های نحوی، بلاغی، روایی و...، به عنوان نمودی از معنی‌المعنی و مطابقت دادن آن‌ها با صورت‌المعنی است.

۴. تحلیل سوره زلزال بر پایه نظریه نظم

در ادامه، آیات طبق روش ذکر شده، تحلیل می‌شود.

۴-۱. إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (الزلزال: ۱)

(آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود، لرزانیده شود) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴-۱-۱. معنی‌المعنی در آینه تفاسیر

تفاسیر مختلف، به سه غرض محتوایی در این آیه شریفه توجه نشان داده‌اند: رعب‌انگیزی زلزله مذکور؛ گستردگی زلزله در تمام زمین و حتمی و قطعی بودن آن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۱).

۴-۱-۲. مؤلفه‌های صورت‌المعنی

مؤلفه‌هایی را که برای نیل به اغراض معنایی مذکور، در صورت آیه به کار رفته‌اند، می‌توان در دو سطح گزینش کلمات و بدیع لفظی بررسی کرد.

۴-۱-۲-۱. گزینش کلمات با توجه به ظرفیت نحوی آن‌ها

انتخاب مناسب کلمات با توجه به ظرفیت‌های معنایی و نحوی آن‌ها، از مهم‌ترین تمهیدات صوری در این آیه شریفه است. در ادامه، این کلمات و نقش آن‌ها در برآورده ساختن اغراض معنایی بررسی می‌شود.

- «إِذَا»: همراه شدن فعل با «إِذَا»، نشان‌دهنده قطعی بودن تحقق آن فعل در آینده است (رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۵۰۳). استفاده از «إِذَا» در این آیه شریفه، قطعی بودن زلزله مورد نظر را القا می‌کند.

- «زُلْزِلَتْ»: یکی از کاربردهای فعل ماضی نیز، تأکید بر محقق‌الوقوع بودن یک فعل در آینده است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۱۷). آمدن فعل «زُلْزِلَتْ» در شکل

ماضی، قطعی بودن زلزله را مؤکد می‌کند. همچنین به کاررفتن فعل به صورت مجهول و انتساب آن به نائب فاعل، «أرض»، کارکردهای دیگری نیز دارد. نخست اینکه بر اهمیت خود فعل، بدون اشاره به فاعل، تاکید می‌شود. ثانیاً وقتی فاعل چنین اتفاق بزرگی ذکر نشده است، نوعی ناشناختگی و رازآلودگی نسبت به فاعل ایجاد می‌شود که فعل او را نیز، غریب و بی‌همتا جلوه می‌دهد. این دو مورد، غرض اول معنایی آیه، یعنی رعب‌انگیز بودن زلزله را برجسته‌تر می‌کنند.

- **ضمیر "ها":** اضافه شدن ضمیر «ها» به «زلزال»، نشان می‌دهد که زلزله وسیع است و مختص به تمام زمین، نه بخشی از آن. زیرا با این ضمیر، «زلزال» به «أرض»، در کلیت و تمامیت خود، نسبت داده شده است. به تبع این معنی، رعب‌انگیزی زلزله نیز دوچندان می‌شود، چون بسیار گسترده است و تمام زمین را می‌لرزاند. علاوه بر این، اضافه شدن ضمیر، اسم را معرفه می‌کند. با اضافه شدن «ها»، زلزله حالت معرفه پیدا کرده؛ گویا سخن از امری شناخته شده است که مقرر بوده انجام شود. این تمهید نیز، محقق الوقوع بودن زلزله را نشان می‌دهد.

۴-۱-۲-۲. بدیع لفظی

از چهارکلمه آیه، دو کلمه هم‌ریشه هستند: «زُلْزَلٌ» و «زلزال». این اشتقاق، نوعی تأکید بر اهمیت زلزله است. با تکرار حرف ز (ذ، ض) در تمام کلمات، گویا لفظ زلزله پژواک‌گونه تکرار می‌شود. تعدد مصوت‌های کوتاه (نُه مصوت) نیز، فضای لرزش و تکان‌های پیاپی را ایجاد می‌کند.

۴-۲. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (الزلزال: ۲)

(و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴-۲-۱. معنی المعنی در آینه تفاسیر

از کلمه «أثقال»، تفسیرهای متعددی ارائه شده است: گنج‌های زیر زمین؛ انسان‌ها؛ جَنّیان؛ قرآن و عترت پیامبر(ص)؛ استعدادهای پنهان در زمین یا بدن انسان‌ها (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۶۸۶)؛ وجود انسان و صورت اعمال نیک و بد او (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۴۹۸).

نکات دیگری نیز، با نگاهی کلی‌تری به آیه شریفه، در تفاسیر آمده‌اند. از جمله اینکه اخراج اُثقال یعنی «زمین دنیا پس از منحل‌گردیدن به ارض قیامت تبدیل می‌گردد و قشر و ثقال آن به لطافت مبدل می‌شود (امین، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۲۶). یا اگر اُثقال در معنی گنج تلقی شود، اخراج اُثقال موجب حسرت گناهکاران می‌شود؛ زیرا هم عامل معصیت آنان بوده و هم بدن ایشان را برای عذاب، با همین گنج‌ها داغ می‌کنند. نکته دیگری که از لفظ «أُخْرِجَتْ» دریافت می‌شود، این است که معمولاً زلزله «آنچه را بر سطح زمین است، به کام آن فرو می‌برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد» (رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۵۰۴). ضمناً این احتمال نیز مطرح شده که آیه به پیش از زلزله ارجاع دهد، یعنی درحالی‌که زمین اُثقال خود را بیرون داده، زلزله‌ای رخ دهد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۱۹).

۴-۲-۲. مؤلفه‌های صورت‌المعنی

در این آیه شریفه نیز، مؤلفه‌های صوری که اغراض معنایی را برآورده می‌سازند، در دو گروه کلی انتخاب کلمات و روابط نحوی: قابل تحلیل است.

۴-۲-۲-۱. گزینش کلمات

بخشی از لایه‌های تفسیری این آیه شریفه، ناشی از ظرفیت کلمه «اُثقال» در تولید معانی گوناگون است. برای این کلمه، دو ریشه احتمالی ذکر شده است: (ثَقَلَ و ثِقَلَ). معانی لغوی آن نیز متعدد است، از جمله: اسباب خانه، بار سنگین، وزن و... (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۸۴۳؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۱۹). گزینش چنین کلمه‌ای، با معانی بالقوه زیادی که می‌تواند بسازد، یکی از مؤلفه‌های صوری مهم این آیه شریفه است که با تفاسیر ارائه‌شده در بخش قبل، مطابقت دارد. همچنین «اُثقال»، می‌تواند بیان‌کننده جسمانی‌بودن معاد نیز باشد.

دیگر مؤلفه صوری در سطح گزینش واژگان، کلمه «أُخْرِجَتْ» است. این که زمین، اُثقالش را «خارج می‌کند»، هم گونه‌ای از نمایش‌دادن را القا می‌کند (که با تفسیر نمایش گنج‌ها و حسرت گناهکاران مرتبط است)، هم مهابت زلزله را مؤکد می‌سازد،

زیرا برخلاف زلزله‌های معمول، آنچه درون زمین است به بیرون پرتاب می‌شود و این، تصویری شبیه به انفجار را نیز القا می‌کند.

۴-۲-۲. روابط نحوی

برای "واو" ابتدای آیه، دو حالت می‌توان در نظر گرفت: حالیه یا عطف. در حالت نخست، این احتمال توجیه می‌شود که آیه به پیش از وقوع زلزله اشاره دارد. با فرض واو عطف نیز، فضای رعب‌انگیز آیه قبل به آیه حاضر منتقل می‌گردد و محتوا، مخصوصاً با تکرار کلمه «أرض»، بر زمین و حوادث آن متمرکز می‌ماند. محوریت زمین، با یک مؤلفه صوری دیگر نیز تقویت می‌شود، اینکه "خارج کردن" به «أرض» اسناد داده شده و زمین شأن فاعلیت یافته است.

۴-۳. وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (الزلزال: ۳)

(و انسان گوید [زمین را] چه شده است؟) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴-۳-۱. معنی المعنی در آینه تفاسیر

در تفسیر این آیه، دو موضوع، محل بحث و تأویل است. نخست اینکه مراد از «انسان» کیست؟ در این باره سه نظر وجود دارد: انسان به طور عام (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۱۸)؛ انسان به معنای کافران (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۲) و انسان به معنای حضرت علی^(ع) (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۶۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۴۷۲).

دومین موضوع، زمان پرسیدن این پرسش توسط انسان است. اغلب تفاسیر این پرسش را حین یا پس از زلزله می‌دانند (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱۰، ص ۳۱۸؛ سلطان علی شاه، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۶۰۳)، اما به این که زمان پرسش، پیش از وقوع زلزله باشد نیز اشاره شده است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۲۲۳).

۴-۳-۲. مؤلفه‌های صورت المعنی

«انسان» در این آیه شریفه، چنان ظرفیتی تأویلی دارد که هم، معنای حضرت علی^(ع) و هم، معنای کافر از آن دریافت شده است. از یک سو پرسش کوتاه «ما لها» را می‌توان نوعی جواب‌خواهی از زمین دانست. انسانی که در چنان موقعیت

هراسناکی از زمین جواب بخواهد، جایگاهی بزرگ و والا دارد. این امکان، زمانی که با روایات مربوط به زلزله مدینه و خطاب امیرالمؤمنین^(ع) به زمین همراه می‌شود، تفسیر انسان به حضرت علی^(ع) را مستدل می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۴۷۲). از سوی دیگر، با توجه به برخی مؤلفه‌های صوری، می‌توان تفاسیر دیگر «انسان»، یعنی کافران یا عموم مردم را نیز، در طیف معنایی این آیه توجیه‌پذیر دانست. محوریت از ابتدای سوره مبارکه، با زمین و حوادث آن است، علی‌رغم اینکه از حادثه‌ای بزرگ و هولناک خبر داده می‌شود و هیچ اشاره‌ای به انسان نمی‌شود. این امر، حقارت انسان در دل حوادث قیامت را نشان می‌دهد. در این آیه، حضور انسان با پرسشی متحیرانه آغاز می‌شود که در همین پرسش نیز باز زمین، با ضمیر «ها»، محوریت دارد. وجود «ما» نشانگر اعجاب و از قبیل حدیث نفس و «برای استفهام از انگیزه و اهداف است». و وجود «ال» پیش از انسان نیز نشانه «استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان‌ها، نسبت می‌دهد» (رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۵۰۵).

۴-۴. یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (الزلزال: ۴)

(آن روز است که [زمین] خبرهای خود را بازگوید) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴-۴-۱. معنی المعنی در آینه تفاسیر

طبق تمامی تفاسیر، زمین بر اعمال آدمیان و آنچه بر روی آن رخ داده، گواهی می‌دهد. اما درباره کیفیت این گواهی‌دادن، چندین ایده وجود دارد:

الف) خداوند متعال زمین را به سخن درمی‌آورد (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۳۰۳).

ب) گفتن «أخبار»، همان خارج کردن «أثقال» است و خبردادن زمین، یعنی احوالی که در آن روز پیدا می‌کند (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۶۴۲).

ج) کمالی در موجودات نهفته که در آخرت، فعلیت می‌یابد (سلطان‌علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۶۹).

د) خبردادن زمین ناشی از شعوری ذاتی است که انسان تنها در قیامت آن را درک می‌کند (امین، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۷۳؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۱۹).

۴-۴-۲. مؤلفه‌های صورت‌المعنی

ایده‌های تفسیری گفته‌شده، ریشه در پیوند میان این آیه با دیگر آیات شریفه دارند. این پیوند، مبتنی بر شبکه‌ای از تمهیدات نحوی، موسیقایی و بلاغی است که ابتدا، به‌طور جداگانه تشریح و سپس نقش مجموعه آن‌ها، در ایجاد تفاسیر مختلف آیه بیان می‌شود.

- تمهیدات نحوی: ارتباط نحوی این آیه شریفه، با آیه ۱، به شروع آن با کلمه «یومئذ» مبتنی است. «یومئذ» در این آیه، بدل از «إذا» در آیه اول است و بنابراین، «تُحَدِّثُ» را می‌توان جواب شرط «إذا» در آیه اول نیز دانست. ارتباط با آیه ۳، مبتنی بر یک امکان نحوی تقدیری است. آیه ۴ می‌تواند به شکل «تُحَدِّثُ الخلق اخبارها» در نظر گرفته شود، با این فرض که مفعول اول، یعنی خلق، حذف شده باشد. در این حالت «خلق»، می‌تواند همان «انسان» در آیه ۳ باشد که اینک جواب پرسش خود را می‌گیرد. ارتباط این آیه شریفه با آیه ۵ نیز به شروع آیه ۵ با «بِأَنَّ» مربوط می‌شود. «باء» سببیه، آیه ۵ را به‌عنوان دلیل برای آیه ۴ مطرح می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۶۸۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۰). علاوه بر این موارد، یک ویژگی نحوی دیگر نیز ۵ آیه اول را با هم مرتبط می‌سازد؛ این که همگی به ضمیر «ها»، با مرجعیت «أرض» ختم می‌شوند.

- تمهیدات موسیقایی: وجه دیگری از ارتباط ساختاری ۵ آیه نخست، به بدیع لفظی مربوط می‌شود. در اصطلاحات مرتبط با نظم قرآن کریم، مفهومی به‌عنوان «فاصله» وجود دارد.

اهل فن در طول دوره‌های مختلف، تعریف‌هایی گوناگون از فاصله به دست داده‌اند؛ مثلاً زرکشی در تعریف فاصله گفته است: «فاصله، کلمه آخر آیه و همانند قافیه در شعر و قرینه در سجع است» و باقلانی گفته است: «فاصله عبارت است از حروف شبیه به هم در مقاطع» (رضوان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۲).

پنج آیه نخست سوره، با کلمات «زَلْزَلَاهَا»، «أَنْقَالَهَا»، «مَا لَهَا»، «أَخْبَارَهَا» و «أَوْحَى لَهَا» گونه‌ای از این فاصله یا سجع را ساخته‌اند که به پیوند محتوایی آیات قوام می‌بخشد.

- تمهیدات بلاغی: سه آیه نخست، با واو عطف به یکدیگر وصل شده‌اند و اولین موضع فصل، آیه چهارم است. گویا وصل‌ها در سه آیه نخست، زمینه‌ساز محتوایی شده‌اند که پس از اولین فصل، در آیه چهارم بیان می‌شود.

۴-۳-۴. ارتباط تفاسیر این آیه با ساختار کلی سوره

در ادامه، ارتباط تفاسیر آیه چهارم، با پیوندی تشریح می‌شود که مبتنی بر تمهیدات مذکور میان پنج آیه ابتدایی است:

در ایده «الف» (به‌سخن درآمدن زمین توسط خداوند سبحان)، علاوه بر این‌که تمام افعال هستی به اذن الهی محقق می‌شود، سطح پنهان‌تری از ارتباط صوری آیات نقش دارد. انجام فعل، توسط زمین اما به اذن خداوند متعال، از نخستین آیه که زمین نائب‌فاعل «زلزل» قرار گرفته، مقدمه‌چینی می‌شود؛ فاعل واقعی این فعل خداوند است، اما در ساختار نحوی آیه، زمین شأن فاعلی یافته است. بنابراین، در آیه چهارم هم، وجود شأن سخن‌گویی برای زمین به اذن الهی، توجیه‌پذیر است.

ایده «ب» (هم‌معنایی اُتقال و اخبار یا این‌که اخبار زمین، احوالی است که در قیامت دارد)، با ارتباط نحوی آیه سوم و چهارم و ترتیب فصل و وصل‌ها در چهار آیه نخست، توجیه می‌شود. شرح احوال زمین با ادات شرط «إذا» آغاز شده، در سه آیه با واو عطف ادامه می‌یابد و در آیه چهارم، با جواب شرط «تحدّث» تکمیل می‌گردد: «هنگامی که زمین دچار حوادثی می‌شود... آن‌گاه اخبار خود را می‌گوید». این‌گونه، وجود رابطه‌ای پررنگ میان آن حوادث و این اخبار، می‌تواند یک ایده تفسیری باشد؛ خصوصاً که «اُتقال»، با وجوه معنایی متعدد خود، می‌تواند با «اخبار»، هم‌پوشانی معنایی داشته باشد.

ایده «ج» (وجود کمالی در زمین که در قیامت آشکار می‌شود)، مبتنی بر فرض نوعی صیروت در زمین است. این صیروت، با خواندن آیات اولیه که با واو عطف سلسله‌وار در پی هم می‌آیند، در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. در ۴ آیه، دوبار نام زمین آمده و سه فعل به زمین نسبت داده شده (به‌عنوان فاعل یا نائب فاعل) و چهار ضمیر به زمین ارجاع می‌یابد. گویا زمین، قابلیت ویژه دارد که با خوانده‌شدن آیات،

مرحله به مرحله برای خواننده آشکار می‌شود. پس وجود استعداد سخن گفتن و اخبار کردن در زمین هم، که در قیامت به فعلیت درمی‌آید، توجیه‌پذیر است. ایدۀ «د» (زمین، هم‌اکنون سخن می‌گوید اما انسان‌ها، تنها در آخرت آن را درک می‌کنند) به سطح پنهان‌تری از صورت‌المعنی نیز متکی است. فضای چهارآیۀ ابتدایی، مدام انسان را نسبت به آگاهی خویش مردد می‌سازد. زلزله‌ای با ضمیر «ها» به کل زمین منتسب شده، اما انسان چیزی از آن نمی‌داند. برخلاف زلزله‌های شناخته‌شده، چیزهایی (با تعبیر اُثقال) از زمین بیرون می‌ریزد. ضمناً، دو آیۀ نخست محتوایی مهیب دارد و ترس، برای آدمی قرین با جهل است. در ادامه هم، انسان ناآگاهانه و شگفت‌زده می‌پرسد: «چه شده است؟!» با این تمهیدات، پذیرش جهل انسان را نسبت به امور بسیاری، از جمله سخن گفتن مخلوقات، قابل پذیرش می‌کند.

۴-۵. بَانَ رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (الزلزال: ۵)

([همان‌گونه] که پروردگار بدان وحی کرده است) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴-۵-۱. معنی‌المعنی در آینه تفاسیر

تفاسیر مختلف، برای کلمۀ وحی در این آیۀ شریفه، معانی گوناگونی ارائه داده‌اند: قول؛ امر؛ الهام؛ خاصیتی پنهان در زمین؛ نوعی فرمان تکوینی (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۲۲؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۳۰۳).

مبتنی بر این معانی، دو ایدۀ تفسیری عمده درباره چگونگی محقق شدن این وحی، ارائه شده است: برخی تفاسیر، به همین اکتفا کرده‌اند که زمین، موظف به امتثال امر و اطاعت از وحی الهی است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۱۴). دیگر تفاسیر استعدادی بالقوه برای زمین قائلند که در قیامت آشکار خواهد شد و بر اساس آن به زمین وحی می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۰).

۴-۵-۲. مؤلفه‌های صورت‌المعنی

آیه با باء سببیۀ آغاز می‌شود. یعنی زمین «به دلیل» وحی پروردگار، اخبار خود را بازگو می‌کند (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱۰، ص ۳۱۹). این مسئله، هر دو تفسیر (امثال امر

الهی و استعداد بالقوه زمین) را توجیه‌پذیر می‌کند. دومین مؤلفه، احتمالی نحوی است مبنی بر این که آیه پنجم، نقش بدل را برای کلمه «أخبار» داشته باشد (همان، ص ۲۲۰). با این احتمال، تمامی وجوه نحوی و بلاغی که درباره آیه ۴ گفته شد، می‌توانند بنیان استدلالی تفاسیر آیه ۵ هم باشند.

۴- ۶. یَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّبُرُوْا أَعْمَالَهُمْ (الزلزال: ۶)

(آن روز مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴- ۶- ۱. معنی المعنی در آینه تفاسیر

نظر مفسران درباره آیه شریفه مربوط به بعد از برپایی دادگاه الهی است یا پیش از آن، متفاوت است. همچنین، از «يَصْدُرُ»، «أَشْتَاتًا» و «لِّبُرُوْا أَعْمَالَهُمْ»، نیز تفاسیر مختلفی وجود دارد.

- **تفاسیر «يَصْدُرُ»:** درباره این که مراد از کلمه «يصدر» در آیه شریفه چیست، ایده‌های مختلفی ارائه شده است: بازگشتن یا بیرون شدن از قبور؛ بازگشتن از (یا رفتن به) دادگاه الهی؛ بازگشتن از محشر؛ رجوع به حیات دوباره؛ بازگشتن به حقیقت باطنی خود (طالقانی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۶۸۸؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۱۹؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۲).

- **تفاسیر «أَشْتَاتًا»:** نظرات مفسران درباره این که مردم بر چه اساسی گروه‌گروه می‌شوند نیز مختلف است: براساس شیوه زندگی دنیایی؛ محل زندگی در زمین؛ براساس سیما و ظاهر در قیامت؛ جدا بودن مسیر پس از بررسی اعمال؛ مذاهب و پیشوایان؛ کافر یا مؤمن بودن (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۶۷؛ قرائتی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۵۶۳؛ سلطان‌علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۶۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۳).

- **تفاسیر «لِّبُرُوْا أَعْمَالَهُمْ»:** سومین جنبه‌ای که در این آیه، محل بحث و تاویل قرار گرفته، چگونگی دیده‌شدن اعمال است. ایده برخی تفاسیر، دیدن حقیقت اعمال با چشم باطن، یا دیدن صحیفه‌ای است که اعمال در آن ثبت شده است (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱۰، ص ۳۲۰؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۱۹)؛ برخی دیگر معتقدند که

منظور، مجسم‌شدن عینی اعمال یا صورت اعمال است؛ بعضی نیز دیده‌شدن را به معنی واردشدن در سزای اعمال دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۶؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۵۷۷؛ امین، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۳۰).

۴-۶-۲. مؤلفه‌های صورت‌المعنی

مؤلفه‌ها و تمهیداتی صوری که مبنای لایه‌های معنایی گفته‌شده هستند، دو جنبه کلی دارند: نخست، گزینش‌های واژگانی و دوم، ارتباط آیه با ساختار کلی سوره مبارکه.

۴-۶-۲-۱. گزینش واژگانی

- **یصدر:** بخش زیادی از ظرفیت‌های معنایی، به لغت «یصدر» برمی‌گردد. صدور، در تفاسیر این‌گونه معنا شده است: برگشتن شتران از لب آب به‌صورت انبوه و هیجان‌زده، انصراف و برگشتن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۳)؛ به‌معنی حدوث... یعنی آن روز مردم به‌طور پراکنده و متفرق حادث و ظاهر می‌شوند...؛ به‌معنی بروز... یعنی یصدر الناس من الارض اشتاتاً (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۴). این معانی، اهمیت لغت «یصدر» را در هر دو ایده کلی تفسیری (پیش یا پس از برپایی دادگاه الهی) نشان می‌دهد. صدور در معنای برگشتن، می‌تواند مبنای تفاسیری باشد که زمان آیه شریفه را پس از برپایی دادگاه الهی می‌دانند. صدور در معنای حدوث نیز، چون با گروه‌گروه‌بودن مردم به‌صورت پراکنده مرتبط است، می‌تواند مؤید همین ایده باشد. اما صدور در معنای بروز، بیشتر ناظر به تفاسیری است که آیه را مربوط به پیش از برپایی محکمه الهی فرض می‌کند، چراکه به‌طور مستقیم‌تری به خروج از زمین (من الارض) اشاره دارد. معنای بازگشتن شتران از آب با حالت انبوه و هیجان‌زده نیز، می‌تواند پشتیبان هر دو ایده باشد. «بازگشتن»، به وضعیت پس از برپایی محکمه و «حالت انبوه و هیجان‌زده»، به فضای هراسناک و آشفته محسوس شدن مردم پیش از دادگاه الهی نزدیک‌تر است.

- **أشتاتاً:** «أشتات جمع شتت، به معنای متفرق است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۳). «أشتات» در نقش حال، علاوه بر فضای سردرگمی و ترس، در ارتباط با لغات پس از خود هم وجهی تأویلی ایجاد می‌کند. «لام در "لیروا"، شاید عَلَتْ «أشتاتاً»

باشد نه عَلَتْ «يَصْدُرُ». یعنی پراکنده بیرون می‌آیند تا هرکدام کار خود و سزای مناسب خود را ببینند.» (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۶۴۵).

- **لِیْرُوا أَعْمَالَهُمْ**: مفسران درباره «یروا» به دو امکان اشاره کرده‌اند: معلوم بودن، به فتح «یاء» و در معنای «دیدن»؛ یا مجهول بودن به ضم «یاء» و در معنای «نمودن، ارائه کردن» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۶۷).

حالت مجهول، با سلب اختیار از انسان همراه است. یعنی عمل انسان بخواهد یا نخواهد به‌او نمایانده خواهد شد. تفاسیری که قائل به کسب جوهر وجودی برای اعمال، یا مجسم شدن عینی اعمال هستند با این تفسیر هماهنگ‌ترند، زیرا در آن‌ها فاعلیت انسان کمرنگ است. این اعمال هستند که تغییر ماهیت می‌دهند. تفاسیری با محتوای دیدن «جزا یا سزای» اعمال نیز، به دلیل محوریت نداشتن اختیار انسان در دیدن پاداش یا عذاب، به این معنا نزدیک‌تر هستند. اما حالت معلوم فعل، با تفاسیری که «یروا» را به معنای دیدن با چشم سر، با چشم قلب یا خواندن نامه اعمال در نظر گرفته‌اند، یعنی بر فاعلیت انسان تاکید دارند، متناسب است.

۴-۶-۲. ارتباط آیه با ساختار کلی سوره

پیرو ایده‌ای که این آیه شریفه را مربوط به پس از برپایی دادگاه الهی می‌داند، برخی تفاسیر، به ابهامی اشاره کرده‌اند: در پنج آیه ابتدایی، شروع زلزله و حوادث مربوط به آن آمده، اما در آیه ششم، گویا دادگاه الهی برپا شده و مردم رهسپار دیدن سزای خویش هستند. پاسخ‌های این ابهام، عمدتاً مبتنی بر این هستند که آن روز رستاخیز، در پایان و پیوسته به حوادث مذکور رخ داده است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۰). یعنی آیه ششم، هم باید این معنا را متبادر کند که در «پایان» حوادث قبل رخ داده، هم باید با آن‌ها «پیوسته» باشد. این جدایی و پیوستگی توأمان، به کمک برخی تمهیدات صوری در ساختار کلی سوره برآورده شده است که در ادامه تحلیل می‌شوند.

- **فصل و وصل**: سومین فصل در این سوره، در ابتدای آیه ششم اتفاق افتاده و با اولین فصل در آیه چهارم، شباهت‌هایی دارد: هر دو با «یَوْمَئِذٍ» آغاز شده‌اند و هر دو، جواب شرط «إِذَا» هستند. اما بر خلاف این شباهت‌ها، فصل در آیه ششم با فصل

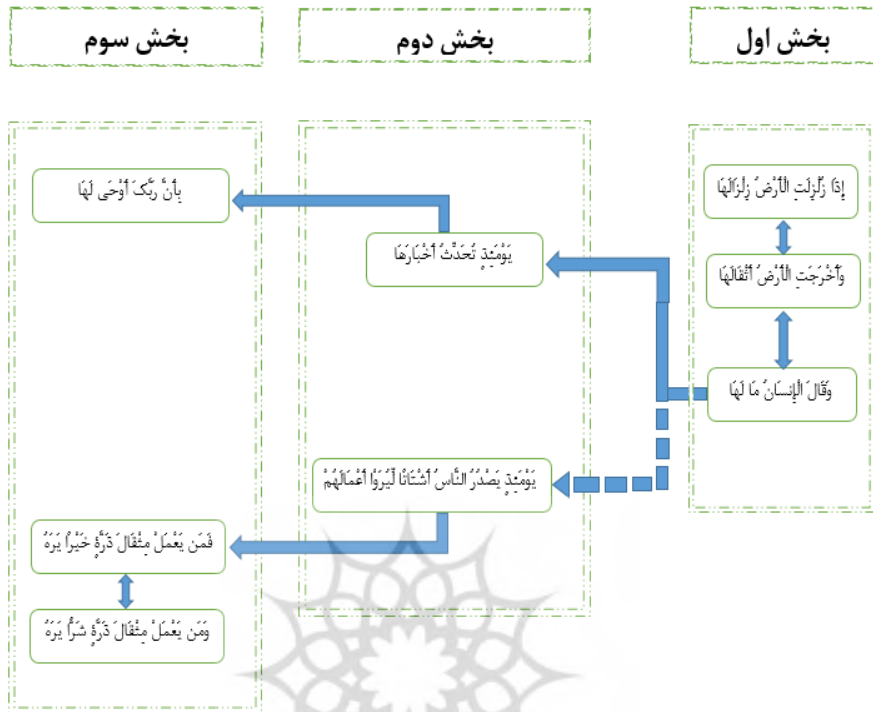
در آیه پنجم تفاوت دارند. فصل در آیه پنجم، به دلیل وجود «باء» سببیه، در روستا ساخت واژگانی و نحوی، اتصال معنایی تامی با آیات پیش از خود دارد، اما فصل در آیه ششم این طور نیست؛ یعنی در روستا ساخت نحوی، نه تنها نشانه‌ای از اتصال معنایی میان آیه ششم و آیات پیش از آن وجود ندارد، بلکه نوعی تباین هم دیده می‌شود؛ آیه قبل از خبر دادن زمین می‌گوید و آیه ششم از بازگشتن آدمیان برای دیدن اعمال (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۳).

- **بدیع لفظی:** آیات شریفه یک تا پنج، مختوم به "ها" و مسجع هستند. اما در آیه ششم، این نظم برهم می‌خورد. قرآن پژوهان درباره اینکه تغییر قوافی یا «فاصله‌ها» در قرآن کریم همواره با غرض‌های معنایی همراه است یا نه، نظرات و استدلال‌های متفاوتی دارند (امینایی و همکاران، ۱۴۰۲، صص ۳۹-۴۰). در سوره زلزال، نظام قوافی یا «فواصل»، با تقسیم‌بندی محتوای کلی کاملاً هماهنگ است. آیات بیانگر احوال زمین در قیامت، به "ها" ختم می‌شوند؛ آیه مرتبط با رفتن انسان به دادگاه الهی به «هم» و آیات بیانگر دیده شدن نتیجه اعمال به «ه».

بنابراین، مؤلفه‌هایی در صورت‌المعنی وجود دارند که هم نشانگر انفصال محتوایی هستند (فصل، تفاوت قافیه)، برای اشاره به اینکه حادثه آیه ششم در پایان حوادث قبلی رخ می‌دهد؛ هم نشانگر اتصال محتوایی (جواب شرط إذا بودن و آغاز شدن با یومئذ)، برای آنکه نشان دهند حادثه آیه شش پیوسته به حوادث قبلی است.

- **منطق روایی:** مؤلفه‌های ذکر شده، ساختاری روایی ایجاد کرده‌اند که آن را می‌توان به این شکل نمایش داد:

شکل ۱- ساختار روایی سوره زلزال



روایت اصلی، دربارهٔ صحنهٔ محشر است؛ از لرزش دهشتناک آغازین تا دیده‌شدن اعمال انسان‌ها. اما این کلان‌روایت نه به‌صورت خطی با ذکر تک‌تک حوادث؛ بلکه به حالتی خوشه‌ای در سه بخش نقل می‌شود.

- **بخش اول:** در دو آیهٔ نخست، زمین محوریت روایی دارد و در آیهٔ سوم، انسان. این دومحور، انسان و زمین، در ادامهٔ سوره روندی طی می‌کنند که هرکدام، به‌صورتی غایی برسند که صرفاً در قیامت محقق می‌شود. بنیان این سی‌رورت، در بخش اول نهاده می‌شود: از یک‌سو، زمین رفتارهایی خارق‌العاده نشان می‌دهد و از دیگرسو، انسان، که موجودی داناست، باز با گونه‌ای خرق‌عادت، ناآگاهانه در روایت حضور یافته و پرسشی مطرح می‌کند.

- **بخش دوم:** متشکل از دو آیه است که با «یَوْمَئِذٍ» آغاز شده و جواب شرط برای «إِذَا» در ابتدای سوره هستند. این مشابهت، به هرکدام از دو آیه، امکان داده که بنیان شکل‌گیری یک شاخهٔ روایی باشند: اولی با موضوع سی‌رورت زمین و دومی با موضوع سی‌رورت انسان. در اولی، وقایع زمین، پیوسته روایت شده‌اند. اما در دومی،

بخشی از داستان نقل نشده و باید آن را از قرائن موجود، در ژرف ساخت رهگیری کرد.

- **بخش سوم:** صورت غایی زمین و انسان، در صیرورتی منتهی به عالم قیامت، آشکار می شود. زمین، که ظاهراً موجودی بی جان تلقی می شده، در نهایت، به شأنی می رسد که خداوند متعال به او وحی می کند. انسان نیز، با بالفعل شدن استعدادی ذاتی که صرفاً در قیامت برای او ممکن می شود، اعمال خود را می بیند.

۴- ۷. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (الزلزال: ۷ و ۸)

(پس هرکه هم وزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هرکه هم وزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید) (فولادوند، ۱۳۹۸، ص ۵۸۳).

۴- ۷- ۱. معنی المعنی در آینه تفاسیر

اغلب تفاسیر این دو آیه، مشابه هم هستند. برخی مفسران به چگونگی دیده شدن اعمال پرداخته اند و برخی استنباطهایی کلی تر ارائه داده اند.

- **چگونگی دیدن اعمال:** برخی مفسران معتقدند این نتیجه اعمال است که دیده می شود. یا برعکس، معتقدند که دیدن، به معنای دیدن خود عمل و تجسم آن است و همان دیدن، خود عذاب یا پاداش است (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۲۲؛ قرائتی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۵۶۸). گروه دیگری از مفسران، به تفاوت این دیدن میان مومنان و کافران پرداخته اند؛ مثلاً گفته اند: کافران نتیجه حسناتشان را در دنیا و سزای سیئاتشان را در آخرت می بینند و مومنان سزای سیئاتشان را در دنیا و جزای حسناتشان را در آخرت (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱۰، ص ۳۲۱)؛ این که کافر عمل خیر را در میزان مومن می بیند و مومن، عمل بدش را در میزان کافر؛ مطابق تفسیری دیگر، اعمال نیک فرد جهنمی به او نشان داده می شود اما چون آن را برای رضای خدا انجام نداده، پاداشی نمی گیرد (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۶۰۴).

- **سایر دریافت های تفسیری:** در گروه دیگری از تفاسیر، استنباطهایی با استناد به معانی کلی این دو آیه شریفه ارائه شده است. برای مثال بر اهمیت کوچک ترین اعمال آدمی در سعادت و شقاوت او تاکید شده است. ترغیب به خیر،

مقدم بر تهدید درباره عذاب گناه دانسته شده است (رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۵۰۹). بعضی از تفاسیر نیز، مبتنی بر معانی این آیات شریفه، جبرگرایی یا مقوله احباط اعمال را رد کرده‌اند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۳؛ کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱۰، ص ۳۲۱؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۵).

۴-۷-۲. مؤلفه‌های صورت‌المعنی

مؤلفه‌هایی صوری که با اغراض معنایی مذکور مرتبط هستند، در ادامه تحلیل خواهند شد.

مثقال: اولاً مثقال، با «أثقال» در آیه دوم هم‌ریشه است و این شباهت، نوعی ارتباط ساختاری در سوره ایجاد می‌کند، خصوصاً که یکی از تفاسیر «أثقال»، اعمال آدمیان است و عمل، در آیات شریفه ششم و هفتم نقشی محوری دارد. ثانیاً همجواری «مثقال» با «ذره»، شمول آیات بر کوچکترین اعمال آدمی را مؤکد می‌سازد. این تمهیدات، با تفاسیر مبتنی بر اهمیت کوچکترین اعمال، رد جبرگرایی و نقد احباط، هم‌راستا هستند.

۴-۷-۲-۳. تکرار فعل دیدن

دیدن، دوبار در این آیات و یک مرتبه در آیه قبل آمده و ایجاد صورت عینی برای اعمال را مؤکد می‌کند. تفاسیری با موضوع تجسم اعمال و کیفیت پاداش یا عذاب الهی، با این کلمه ارتباط روشنی دارند.

۴-۷-۲-۴. موازنه

شباهت بسیار زیاد کلمات دو آیه، علاوه بر هماهنگی موسیقایی، ظرافتی تصویری هم ایجاد می‌کند. گویا، دو آیه، دو کفه ترازو هستند که تنها تفاوت آن‌ها وجود «خیر» در یکی و «شر» در دیگری است. این تصویر، با محتوای برپایی دادگاه الهی و میزان، هماهنگی تام دارد.

• نتیجه‌گیری

به این ترتیب، طبق فرضیه مقاله، سوره مبارکه زلزال نمونه کاملی است از آنچه جرجانی، "نظم" در کلام می‌نامد؛ بدین معنی که اجزا و روابط تشکیل‌دهنده صورت

کلام (صورت‌المعنی)، هم‌راستا با اغراض معنایی و لایه‌های متعدد تأویلی کلام (معنی‌المعنی)، به بهترین وجه اتساق یافته و سامان پیدا کرده‌اند و این را می‌توان جنبه‌ای از اعجاز کلامی قرآن کریم دانست. جدول زیر، خلاصه‌ای از مباحث مطرح‌شده است:

جدول شماره ۱- نتیجه‌گیری

شماره آیات	دریافت‌های تفسیری	مؤلفه‌های صوری در سطوح مختلف		
		واژگان	روابط نحوی	یلاغت
۱	* عظمت زلزله * هراسناکی زلزله * قطعیت زلزله		* آمدن ادا * فعل ماضی و مجهول ژلزلت * اضافه شدن «ها» به زلزل	* اشتقاق * واج‌آرایی
۲	* انتقال در معنای انسان، جثیان، عتوت پیغمبر (ص)، گنج‌ها و... * بیرون‌ریختن آنچه درون زمین است * جسمانی بودن معاد	* انتقال یا دو ریشه لغوی و معنایی متعدد * آخرت یا کارکرد تصویر و معنایی آن		* عطف به آیه ۱ * تکرار لفظ ارض * اسناد مجازی * فعل به زمین
۳	* انسان به معنای کافران، مومنان یا حضرت علی (ع) * زمان احتمالی وقوع پرسش		* ما، تشاگر اصحاب و استفهام * ال، تشاگر * استغراق عرفی	* فضاسازی مبتنی بر چهل و ترس انسان
۴	* اخبار مجازی زمین * اخبار حقیقی زمین (هممعنایی یا انتقال، با احوال زمین، شعور ذاتی زمین و...)	* ضمیر «ها» در شایط * اول یا مرجع ضمیر یکسان	* یومئذ بدل از ادا * محدث جواب شرط * اولین فصل	* جمع در اجهای * آیات * مجاز
۵	* وحی در معنای قیل، امر، فهم ذاتی و...		* آغاز یا پایه سببیه * نقش بدل برای کل آیه	
۶	* بازگشتن از قبور یا محشر یا دادگاه الهی یا... * متفرق شدن مردم بر اساس سیماء، مذهب، کنریا ایمان و... * دین اعمال به معنای دین نام اعمال، دین یا چشم باطن، جسم عینی اعمال و...	* مصدر و لشتا یا ظرفیت‌های معنایی مختلف	* لام برای تعلیل * امکان خوانش معلوم یا مجهول از یروا	* فصل * تغییر نظام قوافی
۷ و ۸	* احتمالات مختلف معنایی در چگونگی دیدن اعمال * رد جبرگرایی و احیاط * اهمیت کوچک‌ترین اعمال	* انتقال و هم‌ریشگی آن یا انتقال * ذره و کارکردهای معنایی آن	* شروع با فاء	* موارد تکرار فعل دین

• منابع و مآخذ

۱. **قرآن کریم**. ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۹۸). تهران: پیام عدالت.
۲. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳). **تفسیر شریف لاهیجی**. تصحیح جلال الدین محدث. تهران: نشر داد.
۳. امین، نصرت بیگم (بی تا). **تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن**. بی جا: بی نا.
۴. امینایی، سعید؛ نکونام، جعفر؛ صادق نیا، مهرباب (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی ادله موافقان و مخالفان اغراض لفظی در فواصل قرآنی. **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**. ۲۰ (۲)، صص ۲۲-۴۷. DOI: [10.22051/tqh.2022.38420.3428](https://doi.org/10.22051/tqh.2022.38420.3428)
۵. پاشا زانوس، احمد؛ نبی پور، مریم (۱۳۹۶). عوامل انسجام در سوره زلزال (براساس نظریه هالیدی و حسن). **پژوهشنامه معارف قرآنی**. ۸ (۳۰)، صص ۸۱-۱۰۲. <https://doi.org/10.22054/rjqk.2017.8721>
۶. جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸). **دلایل الاعجاز فی القرآن**. ترجمه محمد رادمنش. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۷. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق). **انوار درخشان در تفسیر قرآن**. تهران: لطفی.
۸. رازی، حسین بن علی ابوالفتح (۱۴۰۸ق). **روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. تصحیح محمد محمدی ناصح، محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. رضوان، هادی؛ زرین پور، داوود (۱۳۹۲). بررسی زیبایی شناسی مقابله و فاصله در سوره الرحمن. **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**. ۱۰ (۱)، صص ۵۷-۷۴. DOI: [10.22051/tqh.2014.900](https://doi.org/10.22051/tqh.2014.900)
۱۰. سلطان علی شاه، محمد بن حیدر (۱۳۷۲). **ترجمه تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادة**. ترجمه محمد رضا خانی، حشمت الله ریاضی، تهران: سزالاسرار.
۱۱. ضیف، ش. (۱۳۹۷). **تاریخ و تطور علوم بلاغت**. ترجمه م. ترکی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۲. طالقانی، محمود (۱۳۶۲). **پرتوی از قرآن**. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه محمد باقر موسوی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵). **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**. ترجمه علی عبدالحمیدی و دیگران، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۵. عارفی، احمد؛ مرآی، جلال (۱۴۰۲). مهندسی زبانی سوره توحید از دیدگاه نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*. (۱)۷، صص ۲۲۸-۲۵۷.
DOI: 10.22034/sshq.2023.388959.1287
۱۶. قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *تفسیر احسن‌الحديث*. چاپ دوم. تهران: بنیاد بعثت.
۱۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۱۳). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۱۸. گلی، حسین (۱۳۹۵). بررسی زیبایی‌شناسی جزء ۳۰ قرآن کریم بر اساس نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی. *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. (۴)۴، صص ۴۷-۷۰.
۱۹. مقیاسی، حسین؛ فرجی، مطهره (۱۳۹۵). تناسب ساختار با توجه به دو نظریه نظم و آشنایی‌زدایی به محوریت سوره مبارکه لیل. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۵ (۲)، صص ۸۱-۱۰۴.
DOI: 10.22108/nrgs.2016.21127
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. موسوی‌فخر، محمدحسن (۱۳۹۸). انسجام متنی در ترجمه بهرام‌پور از قرآن کریم (مطالعه موردی: ترجمه سوره زلزال). *مطالعات علوم قرآنی*، ۱۰ (۳۹)، صص ۳۷۴-۳۵۵.
۲۲. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
۲۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران (۱۳۸۶). *تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*. قم: بوستان کتاب.
۲۴. یارمحمدی، اسماعیل؛ سجادی، سیدابوالفضل؛ اناری، بزچلوئی، ابراهیم؛ شهبازی، محمود (۱۳۹۸). نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی و واکاوی آن در سوره مبارکه مریم (ع). *پژوهشنامه قرآن و حدیث*. ۱۳ (۲۵)، صص ۳۴۷-۳۶۶.
DOI: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3

References

- The Holy Quran***: Translated by Mohammad Mehdi Fooladvand, (2019). Tehran, Payam-e Edalat. [In Persian]
1. Ashkivarī, Mohammad ibn Ali (1994): ***Tafsir Sharif Lahiji***. Edited by Jalaluddin Mohaddeth, Tehran: Nashr-e Dad. [In Persian]
 2. Amin, Nosrat Begum [n.d.]: ***Tafsir Makhzan al-Irfan fi Ulum al-Quran***. [No place]. [In Persian]
 3. Aminaee, S., Nekonam, J. and Sadeq Nia, M. (2023). Critical analysis of the arguments of the proponents and opponents of verbal Purposes in Quranic intervals. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 20(2), 23-45. doi: 10.22051/tqh.2022.38420.3428 [In Persian]
 4. Pasha Zanous, A. and Nabi Pour, M. (2017). Coherence Factors in Sura al-Zalzal (Based on the Holliday and Hassan's Theory). *Quranic Knowledge Research*, 8(30), 81-102. doi: 10.22054/rjqk.2017.8721
<https://doi.org/10.22054/rjqk.2017.8721> [In Persian]
 5. Jurjani, Abd al-Qahir (1989): ***Dalā' il al-I'jāz fī al-Q'ān***. Translated by Mohammad Radmansh, Mashhad: Āstān-e Quds-e Razavī. [In Persian]
 6. Hosseini Hamadani, Mohammad (1984): ***Anwār-e Derakhshān fī Tafsir al-Quran***. Tehran: Lotfi.
 7. Razi, Hossein ibn Ali Abolfotuh (1988): ***Rawḍ al-Jannān wa Rūḥ al-Jannān fī Tafsīr al-Qur'ān***, Edited by Mohammad Mohammadi Naseh, Mohammad Jafar Yahaghi, Mashhad: Āstān-e Quds-e Razavī. [In Persian]
 8. Rezvan, H. and Gorgij Zarinpour, D. (2013). the aesthetical study of mughabeleh and faseleh in Sura Al-

- Rahman. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 10(1), 57-74. doi: 10.22051/tqh.2014.900 [In Persian]
9. Sulṭān 'Alī Shāh, Sultan Mohammad ibn Heydar (1993): ***Translation of Tafsir Sharif Bayan al-Sa'ada fi Maqamat al-Ibada***. Translated by Mohammad Reza Khani, Hesmatollah Riazi, Tehran: Serr al-Asrar. [In Persian]
 10. Dayf, S. (2018). ***History and Evolution of Rhetorical Sciences*** (M. Torkī, Trans.). Tehran: SAMT. [In Persian]
 11. Taleghani, Mahmoud (1983): ***A Ray from the Quran***. (4th ed.). Tehran: Enteshārāt. [In Persian]
 12. Ṭabāṭabā'ī, Mohammad Hossein (1995): ***Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*** Translated by Mohammad Baqir Musavi, Qom: Jāmi'a-ye Modarresīn Hawza Ilmiya, 5th Edition. [In Persian]
 13. Ṭabarsī, Fazl ibn Hassan (1996): ***Translation of Tafsir Jawāmi' al-Jāmi'***. Translated by Ali Abdolhamidi et al., Mashhad: Āstān-e Quds-e Razavī. [In Persian]
 14. Arefi, A. and marami, J. (2023). the linguistic engineering of Surah Tawheed from the point of view of Abdul Qahir Jarjani's Nazhm theory. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 7(1), 228-257. <https://doi.org/10.22034/sshq.2023.388959.1287> [In Persian]
 15. Qarashī Bonābī, Ali Akbar (1996): ***Tafsir -e- Aḥsan al-Hadīth***. Tehran: Bunyad-e Be'that, 2nd Edition. [In Persian]
 16. Kāshānī, F. b. S. (1896). ***Minhāj al-Ṣādiqīn fī Ilzām al-Mukhālīfīn***. Tehran: Islāmīya Bookstore. [In Persian]
 17. goli, H. (2016). An Aesthetic Review of Juz' 30 of the Holy Qur'an based on Abdolghaheer Jorjani's Theory. *Literary Quranic Researches*, 4(4), 47-70. <https://doi.org/10.22054/20.1001.1.23452234.1395.4.4.3.6> [In Persian]

18. meghyasi, H. and faraji, M. (2016). The Congruency of Structure and Content Regarding the Two Theories of “Nazm” and “Defamiliarization” (Regarding the Holy Surah “Layl”). *Linguistic Research in the Holy Quran*, 5(2), 81-104.
<https://doi.org/10.22108/nrgs.2016.21127> [In Persian]
19. Makārim Shīrāzī, N. (1992). *Tafsīr-e Nemūneh* (10th ed.). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīya. [In Persian]
20. Mousavi Fakhr, Mohammad Hassan (2019): "Textual Cohesion in Bahrampour's Translation of the Holy Quran (Case Study: Translation of Surah Zalzalah)." *Journal of Quranic Studies*. 10(39), 255-273.
https://doi.org/10.22051/JR_QSF-10-39_018 [In Persian]
21. Maybudī, A. bi M. (1992)ī *Kashf al-Asrār wa 'Uddat al-Abrār* (Tafsir of Khwaja Abdullah Ansari). Edited by Ali Asghar Hekmat, Tehran: Amir Kabir, 5th Edition. [In Persian]
22. Hashemi Rafsanjani, Akbar et al. (2007): *Tafsir -e- Rahnama: A New Method in Presenting Quranic Themes*. Qom: Bustan-e Ketab. [In Persian]
23. Yarmohammadi I, Sajjadi S A, Anari Bozcheluei E, Shahbazi M. Abd al-Qaher Jurjani's Theory of Nazm (Construction) and its Exploration in the Holy Surah al-Maryam (a.s.). 3 2020; 13 (25) :347-366 URL: <http://pnmag.ir/article-1-960-fa.html>. <https://doi.org/10.22051/20.1001.1.20080417.1398.13.25.14.3> [In Persian]